



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

نهاد گردش پول در اسلام



نهاد گردش پول در اسلام

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی حجت الاسلام دکتر محمد مادرشاهی
در رویداد ملی هجرت ۲؛ روایت فتح می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: نهاد گردش پول در اسلام

سخنران: حجت الاسلام دکتر محمد مادرشاهی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: ماهیت پول، خلق پول، حرمت ربا، بازار اسلامی، آداب تجارت

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۱۷۱۱۲۱

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

۱.....	مقدمه
۱.....	ماهیت پول در اسلام
۱.....	ماهیت اعتباری پول
۲.....	پول در تاریخ بشر
۳.....	حکم زکات نقدین در روایات
۴.....	خلق پول در سیستم بانکی
۵.....	عملکرد دولت در ایران
۶.....	دراهم مغشوشه
۷.....	بررسی وضعیت فعلی بانک ها
۸.....	ارز نیمایی یا ارز آزاد
۱۱.....	آدام اسمیت و تمرکز سرمایه
۱۲.....	عدم رعایت قواعد اسلامی
۱۲.....	ممنوعیت سود ثابت در نظام بانکی
۱۳.....	حرمت ربا و قاعده ربح
۱۳.....	اثرات ربا بر اقتصاد
۱۳.....	مدل بانکداری اسلامی
۱۴.....	نارضایتی عمومی از نظام بانکی
۱۵.....	بازار در صدر اسلام: گامی حیاتی برای احیای اقتصاد نوپا
۱۵.....	ملکیت حاکمیت و واگذاری رایگان به مردم
۱۶.....	نقش اجاره مغازه در قیمت تمام شده کالا
۱۸.....	معضل واسطه ها و عدم دسترسی به بازار
۱۹.....	چینش بازارهای اسلامی، تولیدی ها در کنار فروشگاه ها
۱۹.....	بازارها در جوار مسجد: نمادی از سنت و کارکرد دینی
۱۹.....	حضرت علی (علیه السلام) و نظارت بر بازار
۲۰.....	بازار اسلامی؛ راهکاری برای اقتصاد عادلانه و اخلاقی
۲۱.....	نقش حوزه های علمیه و ائمه جمعه



نهاد گردش پول در اسلام

باسمه تعالی

مقدمه

همانطور که می‌دانید، بحث پول و اقتصاد از مباحث بسیار گسترده و پیچیده‌ای است که درک کامل آن در یک جلسه امکان‌پذیر نیست. با این حال، در این جلسه تلاش می‌کنیم با نگاهی به نظام اقتصادی مطلوب اسلام، به بررسی برخی از ابعاد کلیدی این موضوع بپردازیم.

ماهیت پول در اسلام

در ابتدا، باید به ماهیت پول در اسلام بپردازیم. برخلاف برخی تصورات، اسلام نگاهی منفی به پول ندارد و آن را ابزاری بی‌اهمیت نمی‌داند. در واقع، تعبیر متعددی در منابع اسلامی وجود دارد که نشان‌دهنده جایگاه ویژه پول در این دین الهی است. همانطور که اقتصاددانان نیز بر اهمیت پول در جامعه تأکید می‌کنند، اسلام آن را به مثابه «خون در رگ‌های انسان» می‌داند. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا ممکن است اسلامی که سعادت بشر را هدف خود قرار داده، در مورد چنین عنصر مهمی هیچ نظری نداشته باشد؟ و مسلماً پاسخ منفی است. اسلام، به عنوان دین سعادت‌بخش، در مورد پول نیز دستورات و رهنمودهای جامعی ارائه کرده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

ماهیت اعتباری پول

در نظام‌های اقتصادی امروزی، پول به عنوان یک واحد سنجش و مبادله، نقشی اساسی ایفا می‌کند. اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا در اسلام نیز پول ماهیتی اعتباری دارد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که بله، پول در اسلام نیز دارای ماهیتی اعتباری است.

همانطور که برای سنجش مسافت از متر و برای سنجش وزن از کیلوگرم استفاده می‌شود، که یک معیار محسوب می‌شود، برای سنجش ارزش اشیا نیز از پول استفاده می‌شود؛ به عنوان مثال، زمانی که می‌گوییم یک سکه طلا ۱۰۰۰ تومان ارزش دارد، در واقع به این معناست که جامعه، آن سکه را معادل ۱۰۰۰ تومان کالا یا خدمات می‌داند.



نهاد گردش پول در اسلام

یا برای سنجش یک گاو یا گوسفند از معیار پول که یک واحد اندازه گیری است، استفاده می‌شود. اما این به معنای آن نیست که اسلام هر چیزی را که به عنوان پول مورد اعتبار قرار بگیرد، می‌پذیرد. همانطور که اسلام برای ازدواج قیود و شروطی تعیین کرده است، برای پول نیز قواعد و ضوابطی وجود دارد؛ به عنوان مثال، در زمان پیامبر اکرم (ص)، سکه‌هایی از جنس طلا و نقره به عنوان پول رایج استفاده می‌شد که این سکه‌ها دارای ارزش ذاتی بودند. نکته اول این است که بعضی از اساتید هستند که تاکید دارند پول یک قرار اجتماعی به هر چیزی که روی آن اعتبار کند. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، نقش تاریخچه در ماهیت پول است.

پول در تاریخ بشر

انسان‌ها از دیرباز برای مبادله کالا و خدمات از روش‌های مختلفی استفاده می‌کردند. در ابتدا، مبادله به صورت پایاپای انجام می‌شد، اما به مرور زمان، این روش به دلیل دشواری‌ها و محدودیت‌هایش، جای خود را به استفاده از کالای واسطه به عنوان معیار سنجش و مبادله داد. در طول تاریخ، از کالاهای مختلفی مانند نمک، طلا و نقره به عنوان معیاری برای سنجش ارزش کالاها استفاده شده است و در حال حاضر نیز، پول‌های رایج در دنیا، اسکناس و سکه هستند که عمدتاً پشتوانه طلا یا نقره ندارند و اخیراً، شاهد ظهور پدیده جدیدی به نام رمز ارزها هستیم که نوعی پول دیجیتال هستند.

در اسلام، دیدگاه‌های مختلفی در مورد ماهیت و نوع پول وجود دارد. برخی از روایات، طلا و نقره را به عنوان پول‌های مشروع در اسلام معرفی می‌کنند و در مواردی نیز مشاهده می‌کنیم که ضرب سکه را به جهت رفع احتیاجات بشر به حضرت آدم تعلیم نموده است. این مورد که خداوند طلا و نقره را برای استفاده به عنوان پول قرار داده است، عین حدیث در توحید مفضل است. خداوند طلا و نقره را جهت ذخیره و معیار سنجش اشیا و معاملات قرار داده است؛ چراکه علت ارزشمند بودنش، کمیاب بودن آن است که به آن اعتبار می‌بخشد.

در توحید مفضل است که می‌فرماید خداوند در اعماق زمین آب پرفشاری را قرار داده که مردم به آن دسترسی ندارند. سپس آن آب را توصیف می‌کند و بعد در زیر آن خداوند معادنی را از نقره قرار داده که بشر را از دسترسی به آن منع کرده و اگر بشر می‌توانست به آن منبع دست پیدا کند، آنقدر نقره زیاد می‌شد که پول ارزش خودش را از



نهاد گردش پول در اسلام

دست می‌داد. احتمالی هم وجود دارد که دولت‌ها از وجود این منابع عظیم باخبر هستند و خود به عمد از دسترسی بشر به آن خودداری می‌کنند.

نکته جالب توجهی وجود دارد و آن این است که پول‌های غیر طلا و نقره هم در زمان اهل بیت وجود داشته که از آن به فلوس تعبیر می‌کردند. فلوس پول‌هایی بوده که از آهن و اشیا دیگری می‌زدند و زمانی که طلا و نقره کم می‌آوردند، فلوس چاپ می‌کردند. در روایات تعبیر خیلی تندی علیه فلوس وجود دارد به طور مثال شخصی می‌گوید آیا می‌توانم دینم را با فلوس ادا کنم، حضرت می‌فرماید: من فلوس را نمی‌شناسم و آن را معتبر نمی‌دانم ولو اینکه حاکمیت چیزی غیر از طلا و نقره را به عنوان پول قرار داده باشد.

یکی از روایاتی که در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است، حدیث عروه بارقی است که در کتاب مکاسب شیخ طوسی آمده است. در این حدیث، پیامبر اکرم (ص) یک سکه طلا به عروه بارقی می‌دهند و او با آن سکه، دو گوسفند می‌خرد. سپس، عروه بارقی یکی از گوسفندان را می‌فروشد و پول حضرت را به ایشان برمی‌گرداند. بر اساس این حدیث، در آن زمان، یک سکه طلا معادل دو گوسفند بوده است؛ اگرچه در زمان پیامبر اکرم (ص)، ارزش سکه طلا نسبت به گوسفند ثابت بوده است، اما در طول تاریخ، ارزش طلا و نقره نسبت به سایر کالاها و خدمات، افزایش یافته است. به عبارت دیگر، با گذشت زمان، یک سکه طلا نه تنها ارزش خود را حفظ کرده است، بلکه می‌توان با آن تعداد بیشتری گوسفند یا سایر کالاها و خدمات را خریداری کرد. به دلیل عدم احتکار کالایی مانند طلا که قیمت آن رو به افزایش است مسئله زکات مطرح شد.

حکم زکات نقدین در روایات

در روایات اسلامی، تأکید فراوانی بر زکات نقدین شده است. برخی از روایات، زکات نقدین را کلید حل مشکل فقر در جامعه معرفی می‌کنند. در روایتی از امام علی (ع) آمده است که «اگر زکات نقدین به طور کامل پرداخت شود، هیچ فقیر و گرسنه‌ای در جامعه باقی نخواهد ماند». اما در جامعه امروز که پول به حالت اعتباری وجود دارد و با گذشت زمان از ارزش آن کاسته می‌شود، هیچ‌کس آن را ذخیره نمی‌کند تا به آن زکات نیز تعلق بگیرد؛ بلکه به خرید اجناس دیگر مبادرت می‌کنند. این احکام در فضایی معقول است که پول به صورت طلا و نقره باشد؛ بنابراین



نهاد گردش پول در اسلام

اسلام با ساختاری که در آن پول به صورت طلا و نقره باشد موافق است. احکامی که وجود دارند در فضایی با این شرایط معنا پیدا می کنند؛ وگرنه احکام لغوی بوده و هیچ کس به آن ها عمل نمی کند.

نکته مهم تر این است که تبدیل تمام پول هایمان به طلا در نظام پولی فعلی کار سختی نیست. می توان «نخی» که اعتبار اسکناس ها را تامین می کند به «طلا» تبدیل کرد. اما با تبدیل پول به طلا نمی توان تمام مشکلات مملکت حل شود؛ چراکه مشکلات مملکت فراتر از این حرف ها است. حتی با تبدیل پول به طلا، بازهم نمی توان مشکلات ناشی از نظام پولی را حل کرد؛ زیرا مفهوم دیگری به نام «پول های بانکی»، «پول های الکترونیکی» یا «خلق پول» وجود دارد که حتی اگر پول به طلا و نقره تبدیل شود، امکان افزایش نقدینگی در جامعه را از بین نمی برد.

مسئله پول های بانکی مسئله بسیار مهمی است. جالب است بدانید که فقط ۳ درصد از نقدینگی کل اقتصاد ما را اسکناس تشکیل می دهد. حالا فرض کنید که همه این اسکناس ها را طلا کنید. بانک ها برای ارائه تسهیلات به پول نقد نیاز ندارند؛ زیرا آنها می توانند پول را به حساب شما واریز کنند، بدون اینکه نیازی به سپرده داشته باشند. ممکن است کسی بگوید که بانک ها ترازنامه ای دارند و باید بر اساس آن ترازنامه و سپرده هایی که دارند تسهیلات بدهند؛ اما این درست نیست. بانک ها می توانند با استفاده از ترفندهای حسابداری، پول جدید خلق کنند و به تسهیلات گیرندگان وام بدهند. بنابراین، تبدیل پول به طلا راه حلی برای مشکلات اقتصادی کشور نیست. ما باید به دنبال راه حل های اساسی تری برای نظام پولی خود باشیم.

خلق پول در سیستم بانکی

فرض کنید شخصی به یک بانک مراجعه می کند و تقاضای ۳۰۰ میلیارد تومان وام می کند. بانک پس از بررسی شرایط، وام را به او اعطا می کند. اما نکته قابل توجه اینجاست که بانک برای اعطای این وام، نیازی به برداشت از حساب هیچ مشتری دیگری ندارد! بانک به سادگی با ایجاد یک «حساب جدید» برای متقاضی وام، پول جدید را به سیستم بانکی اضافه می کند که در ترازنامه بانک، این پول جدید به عنوان «سپرده» ثبت می شود و در مقابل آن، «تسهیلات» (وام) به متقاضی وام تعلق می گیرد. این خلق پول از هیچ، مشکل و معضل بزرگی است که باید حل شود؛ وگرنه وضعیت اقتصادی به همین صورت باقی می ماند.



نهاد گردش پول در اسلام

عملکرد دولت در ایران

در ایران، دولت‌های بعد از انقلاب، تلاش‌هایی برای کنترل خلق پول انجام داده‌اند؛ به عنوان مثال، دولت احمدی‌نژاد در دور دوم ریاست جمهوری خود، تا حدی موفق به کنترل رشد نقدینگی شد. با این حال، این تلاش‌ها به طور کامل موفق نبوده و همچنان شاهد رشد نقدینگی در کشور هستیم. در این بین بانک‌های خصوصی بیشترین انگیزه برای خلق پول به این صورت دارند؛ چراکه درصدی به عنوان سود دریافت می‌کنند.

در یک جلسه خصوصی، یکی از مدیران عامل بانک‌ها به صراحت اعتراف کرد که خنده‌دارترین حرف‌هایی که ما به مشتری‌ها می‌زنیم این است که بانک ما منابع برای دادن تسهیلات ندارد؛ در صورتی که بانک برای دادن تسهیلات به منابع نیاز ندارد. همانطور که این مدیر بانکی اشاره می‌کند، بانک‌ها برای اعطای وام به مشتریان، نیازی به منابع واقعی (مانند سپرده‌های مردم) ندارند. آنها می‌توانند با استفاده از «تکنیک‌های خلق پول»، پول جدید را به سیستم بانکی اضافه کنند. با وجود اینکه بانک مرکزی برای کنترل خلق پول توسط بانک‌ها، ابزارهایی مانند «ذخایر قانونی» و «ترازنامه» در اختیار دارد، اما این ابزارها به طور کامل کارآمد نیستند. تا زمانی که مانع خلق پول توسط بانک‌ها نشویم، نمی‌توان تورم افسارگسیخته را مهار کرد؛ البته تورم علل و عوامل دیگری نیز دارد، اما یکی از عوامل مهم و اصلی آن رشد نقدینگی است. مشکلات دیگری نیز هست، اما مسئله مهم این است که پول همچون خون در رگ انسان است که اگر فشار خون افزایش یابد مشکلات آتی آن هم متعاقباً گریبانگیر خواهد شد؛ مانند افزایش شکاف طبقاتی و کاهش قدرت خرید و

نکته قابل تأکید، توجه به خود مسئله پول و انواع آن است. ما یک پول حقیقی داریم که اسلام آن را تأیید می‌کند. برخی افراد می‌گویند که ما با بازگشت به نظام پولی گذشته، به عقب می‌رویم. اما ما معتقدیم که احکام اسلام بر مبنای مصالحی وضع شده‌اند که در آینده نیز بشر به درستی آنها پی خواهد برد. البته در مورد چگونگی عملی کردن این احکام، بحث‌های زیادی وجود دارد و یک نکته مهم این است که نباید تصور کنیم با تبدیل پول به طلا، تمام مشکلات اقتصادی حل می‌شود.

ساختار نظام غربی به گونه‌ای است که حتی با تبدیل پول به طلا، باز هم انتشار پول در دست دولت نخواهد بود.



نهاد گردش پول در اسلام

ما به این نوع پول، «پول» نمی‌گوییم، اما «پول بانکی» به هر حال نقدینگی محسوب می‌شود و کارکرد نقدینگی را دارد. یکی از مسائلی که در اسلام بر آن تأکید شده، این است که پول باید در اختیار دولت باشد. مسئله حاکمیت پول، مسئله فوق‌العاده مهمی است. این انحصار از معدود چیزهایی است که در اقتصاد به مردم واگذار نشده است. نگاه ما به اقتصاد، نه دولتی و نه سرمایه‌داری، بلکه «مردم‌سالاری دینی» است. از معدود جاهایی که به شدت از حاکمیت و انحصار دولت در مورد پول دفاع می‌شود، همین مسئله است. اشتباه است که تصور کنیم بانک‌ها فقط واسطه انتقال وجوه هستند. در واقع، واسطه‌گری وجوه در بانک‌ها اتفاق نمی‌افتد. بانک‌ها «خالق پول» و «خالق اعتبار» هستند و این به معنای آن است که حاکمیت پول از دست دولت خارج شده است. با وجود اینکه دولت برای کنترل نقدینگی تلاش زیادی می‌کند و بسیاری از هزینه‌ها و مخارج خود را پرداخت نکرده، اما موفق به مهار آن نشده است. دلیل این امر آن است که حاکمیت پول در دست دولت نیست و در اختیار دیگری است.

دراهم مغشوشه

در مکاسب، بحثی به نام «دراهم مغشوشه» وجود دارد. منظور از دراهم مغشوشه، پول‌هایی است که به صورت غش و نیرنگ تولید شده‌اند. شیخ اعظم در مورد انواع دراهم مغشوشه، دسته‌بندی‌هایی ارائه می‌کند که یکی از انواع آن، کم شدن وزن یا درصد طلای سکه است و نوع دیگر آن، سکه‌ای است که نه وزن و نه درصد طلای آن تغییر کرده باشد، اما بدون حاکمیت ضرب شده باشد.

حضرت علی (علیه السلام) در مورد دراهم مغشوشه می‌فرمایند که باید آن را شکست و در چاه فاضلاب انداخت. دلیل این امر آن است که در این پول غش وجود دارد و نباید با آن معامله کرد و هیچ چیز با آن خریداری نشود. بنابراین، یکی از انواع دراهم مغشوشه، سکه‌ای است که عیناً همان سکه با همان درصد و وزن و شکل و شمایل قبلی است، اما بدون حاکمیت ضرب شده باشد.

اگر این نکته را در نظر بگیریم، به هیچ وجه نمی‌توانیم زمام امور کشورمان را به دست بانک‌ها بسپاریم. علاوه بر این، سپردن زمام امور به رمز ارزها نیز غیرقابل قبول است. مسئله مهمی که در مورد رمز ارزها وجود دارد این است که حاکمیت پول و نقدینگی در جامعه را از نظارت و کنترل دولت خارج می‌کند. این مسئله، چالشی جدی



نهاد گردش پول در اسلام

در فهم نظام پولی به حساب می‌آید و باید به طور کامل مورد توجه قرار گیرد.

انواع مختلفی از پول وجود دارد؛ البته بحث در مورد هر کدام از این انواع پول، موضوعی مفصل و نیازمند ساعت‌ها گفتگو و تبادل نظر است. در حال حاضر، فقط اشاره‌ای به بحث بانک و طراحی بانک اسلامی خواهد شد. البته باید بررسی شود که آیا اصطلاح «بانک» در این مورد صحیح است یا خیر و آیا می‌توان از اصطلاحات و مفاهیم جایگزین استفاده کرد.

بررسی وضعیت فعلی بانک ها

وضعیت فعلی بانک‌ها ایجاب می‌کند که نحوه عملکرد و سیر تحولات آنها را بشناسیم. در نگاه اقتصادی، چند نوع بدهی وجود دارد:

- اسکناس که به عنوان بدهی بانک مرکزی به مردم شناخته می‌شود.
- حساب‌های بانکی که به عنوان بدهی بانک‌ها به مردم تلقی می‌شود.
- چک که به عنوان بدهی مردم به یکدیگر شناخته می‌شود.

از لحاظ فقهی نیز در مورد ماهیت بدهی بودن این موارد بحث وجود دارد. حساب‌های بانکی و چک را می‌توان به عنوان بدهی قبول کرد، اما در مورد اسکناس که ماهیت پول پیدا کرده و بحث پول بر آن بار می‌شود، موضوع پیچیده‌تر است. اسکناس به نوعی ماهیت مستقل پیدا کرده است. نکته مهم این است که بانک‌ها با مکانیزمی که توضیح داده شد، حساب شخص را شارژ می‌کنند؛ به این معنی که خود را به شخص بدهکار می‌کنند؛ یعنی وقتی در حساب شما ۱۰۰ میلیارد تومان موجودی دارید، بانک به شما ۱۰۰ میلیارد تومان بدهکار است و اگر شما مطالبه کنید، موظف به پرداخت آن است. در اسلام تأکید شده که بدهی باید در یک سبب شرعی به وجود بیاید. برای مثال، اگر من به شما بدهکار باشم و چکی بنویسم که فقط جنبه دوستانه داشته باشد و من واقعاً بدهکار نباشم، همه فقها معتقدند که این اشکال دارد. دلیل آن این است که بدهی باید با یک سبب شرعی به وجود بیاید. اما در حال حاضر، مکانیزمی که در بانک‌ها وجود دارد این است که از «هیچ» پول خلق می‌کنند. این موضوع در مورد بنگاهداری بانک‌ها بیشتر خود را نشان می‌دهد.



نهاد گردش پول در اسلام

مثلاً وقتی می‌خواهند خانه‌ای بخرند، به صاحب ملک می‌گویند که در بانک آنها حساب باز کند و معادل پول ملک را به حساب او واریز می‌کند. سپس با یک دکمه، به صاحب ملک می‌گویند که این مبلغ را از آنها طلب دارد و برای اینکه صاحب ملک این پول را به بانک دیگری منتقل نکند، به او پیشنهاد می‌کنند که آن را در همان بانک سپرده‌گذاری کند و در ازای آن، سود خوبی هم به او می‌دهند. به این ترتیب، بانک‌ها در ازای «هیچ» و فقط با ایجاد اعتبار، زمین و ملک افراد را تصاحب می‌کنند. در این زمینه بحث‌های زیادی وجود دارد که در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

بخش بعدی بحث ارز است که امروزه با آن مواجه هستیم. ارزیابی که در نظام اسلامی و در جامعه اسلامی مبادله می‌شوند، برای کشورهای دیگر هستند. می‌دانید که در حال حاضر ارز به چند گونه مبادله می‌شود. اگر بخواهیم کمی از ریشه‌های افزایش قیمت دلار پرده برداریم، بهتر است که این موضوع را به طور کامل بررسی کنیم. یکی از نکات قابل توجه این است که ما در حال حاضر یک ارز نیمایی داریم. ارز نیمایی به این معنی است که هر کس که می‌خواهد کالایی را وارد کند، به ارز نیاز دارد. اگر کسی بخواهد کالایی را وارد کند، باید در بازار نیمایی ثبت‌نام کرده و ارز مورد نیاز خود را با قیمت ۲۹ تومان دریافت کند. صادرکنندگان نیز موظف هستند ارز خود را در این بازار نیمایی به فروش برسانند. تقاضاهای مختلفی برای ارز وجود دارد که مهمترین آن، تقاضای مربوط به واردات است. برای وارد کردن کالا، به ارز نیاز است و دولت برای تامین ارز کالاهایی که در بازار نیمایی ثبت می‌شود، هیچ مشکلی ندارد و نسبت به سال گذشته، وضعیت به مراتب بهتر شده است. اما چرا قیمت ارز به ۶۰ تومان رسید و افزایش یافت؟ دلیل این امر این است که علاوه بر بازار واردات، یک بازار دیگر نیز در کف خیابان وجود دارد.

ارز نیمایی یا ارز آزاد

مثلاً اگر کسی بخواهد قاچاق کند، نمی‌تواند ارز را از بازار نیمایی^۱ تامین کند و باید از بازار آزاد ارز تهیه کند. یا اگر کسی قصد خروج سرمایه داشته باشد و بخواهد املاک خود را بفروشد و به خارج از کشور برود، از بازار آزاد ارز تهیه می‌کند. این افراد که قصد واردات کالا ندارند، باعث افزایش تقاضا برای ارز می‌شوند. برخی افراد نیز به

(۱) سامانه نیما که مخفف عبارت «نظام یکپارچه معاملات ارزی» است با هدف ایجاد بستری امن برای خرید و فروش ارز به وجود آمده است.



نهاد گردش پول در اسلام

دلیل کاهش ارزش ریال، به دنبال سرمایه‌گذاری در ارز هستند و دلار می‌خرند.

پس از اغتشاشات اخیر مردم، بازار آزاد به شدت تحت فشار قرار گرفت و مردم عادی که قصد خروج سرمایه داشتند یا می‌خواستند سرمایه‌گذاری کنند، به هجوم برای خرید دلار پرداختند. یعنی هرچه دولت پول بیشتری به بازار تزریق می‌کرد، تقاضا برای ارز چند برابر می‌شد، اما راهکار حل این مشکل، تزریق بیشتر دلار به بازار نبود.

درست است که ما برای واردات کالاها ارز کافی داشتیم و مشکلی نداشتیم و واردات کالاها به صورت رسمی از طریق ارز نیمایی تامین می‌شد. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که بازار به نرخ ارز نیمایی توجهی نمی‌کند و به نرخ ارز آزاد توجه می‌کند. مکانیزم ارز نیمایی به قدری سخت و انحصاری است که بسیاری از مردم نمی‌توانند از آن استفاده کنند؛ بنابراین، زمانی که می‌خواهند مبادله‌ای انجام دهند، مجبورند از طریق‌های دیگر ارز خود را تامین کنند. در نتیجه، زمانی که کالای خود را با نرخ ارز آزاد محاسبه می‌کنند، کسانی که با نرخ نیمایی ارز تهیه کرده‌اند، کالاهای خود را با آن قیمت بالا می‌فروشند و نرخ ارز نیمایی را در نظر نمی‌گیرند.

این موضوع اثرات روانی نیز دارد؛ مثلاً وقتی که قیمت ارز آزاد بالا می‌رود، قیمت سایر کالاها مانند زمین، سکه و... نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد. یکی از کارهایی که باید بر اساس مطالب قبلی انجام شود، این است که دولت نباید فقط نظاره‌گر باشد. دولت باید وارد عمل شده و حاکمیت خود را بر بازار اعمال کند. دولت نباید فقط به عنوان یک ناظر خارجی و بازارساز عمل کند و پول تزریق کند. در این زمینه سازوکارهایی در نظر گرفته شده و در حال اجرا است.

به جای تقابل مستقیم با دلار، که البته به لحاظ عقلی و شرعی نیز مردود است، باید بر تقویت ریال خودمان تمرکز کنیم. ریال نیز مانند هر کالای دیگری، با افزایش عرضه ارزشش کاهش می‌یابد و با افزایش تقاضا، قدرتمند می‌شود. ما می‌توانیم از طریق صادرات کالاهایی مانند برق به عراق، نفت و گاز به افغانستان و ترکمنستان، تقاضا برای ریال را افزایش دهیم. به جای دریافت دلار از این کشورها، پیشنهاد می‌کنیم که پول خودمان را در ازای این مبادلات دریافت کنند.

دولت عراق به جای پرداخت پول برق ایران با دلار، می‌تواند با ریال پرداخت کند. این امر، تقاضا برای ریال را در عراق افزایش می‌دهد و به نفع این کشور هم خواهد بود؛ چراکه دیگر نیازی به وابستگی به آمریکا برای استفاده



نهاد گردش پول در اسلام

از دلارهای محدود شده خود نخواهد داشت. علاوه بر این، می‌توانیم نمایشگاه‌های فروش محصولات ایرانی در کشورهای همسایه برگزار کنیم و به جای اجاره غرفه، از آنها بخواهیم که با ریال پرداخت کنند. این کار، تقاضا برای ریال را در داخل کشور نیز افزایش می‌دهد. با اجرای این طرح‌ها، تقاضا برای ریال به طور قابل توجهی افزایش خواهد یافت و این امر به تقویت پول ملی و ورود ارز به کشور کمک می‌کند.

همانطور که در عرصه‌های جنگ، امنیت و علم توانستیم انحصارات دشمن را بشکنیم، می‌توانیم در این زمینه نیز با اتکا به ایده‌های نو و خلاقانه، انحصارات فکری را از بین ببریم. ما الگوهای غربی را کنار گذاشتیم و در عمل نشان دادیم که الگوهای خودمان کارآمدتر هستند. امیدواریم در این دولت، شاهد حضور افرادی باشیم که نگاه‌های اقتصادی جهادی دارند و تحولات و آینده بهتری را برای کشور رقم خواهند زد. در مورد نظام بانکی، دغدغه افراد بیشتر معطوف به شرعی بودن معاملات است. اما صرف رعایت ضوابط و قوانین، مشکل بانکداری ما را حل نمی‌کند. مسئله از این‌ها عمیق‌تر است. برای بررسی دقیق‌تر، باید به چند نکته توجه کنیم:

۱. **اصول حاکم بر بانکداری اسلامی:** اولین نکته، وجود اصولی است که باید در نظام بانکی اسلامی رعایت شوند. اگر بانکی تمام این اصول را رعایت کند، شرعی خواهد بود. در غیر این صورت، حتی با وجود رعایت تمام قوانین، شرعی محسوب نمی‌شود. همانطور که ممکن است تک تک اجزای یک پازل درست باشند، اما در کنار هم تصویری مستهجن را تشکیل دهند، در نظام بانکی نیز ممکن است تک تک اجزا (مانند عقود) اسلامی باشند، اما در مجموع، ساختاری غیرشرعی ایجاد شود.

۲. **کارکرد نظام پولی:** نکته دوم، کارکرد نظام پولی است. باید مشخص شود که این نظام برای چه بخش‌هایی طراحی شده و چگونه باید با بخش واقعی اقتصاد تناسب داشته باشد. یکی از آموزه‌های اسلام، جلوگیری از انحصار ثروت در دست ثروتمندان است. نظام بانکی باید به گونه‌ای باشد که مانع از این اتفاق شود. اما در حال حاضر، شاهد انحصار ثروت در دست ثروتمندان هستیم. دلیل این امر، عملکرد بانک‌ها در اعطای وام است. بانک‌ها به راحتی وام‌های کلان به ثروتمندان می‌دهند، اما در اعطای وام‌های خرد به افراد عادی محتاط هستند.

ساختار بانک‌ها به گونه‌ای است که پول‌های خرد مردم را جمع‌آوری کرده و در اختیار ثروتمندان برای فعالیت‌های



نهاد گردش پول در اسلام

اقتصادی کلان قرار می‌دهد. این ثروتمندان از این وام‌ها سودهای کلانی (۳۰۰ تا ۴۰۰ درصد) به دست می‌آورند، در حالی که بانک فقط ۲۴ درصد سود دریافت می‌کند. سپس بانک، بخشی از این سود را بین سپرده‌گذاران (مردم عادی) توزیع می‌کند. در این میان، ثروتمندان سودهای کلانی به جیب می‌زنند و سهم ناچیزی به مردم عادی می‌رسد.

۳. **تمرکز بر وام‌های کلان:** مشکل اصلی بانک‌ها، تمرکز بر وام‌های کلان است. یکی از کارشناسان برجسته بانکی، معتقد بود که حدود ۹۵ درصد از تسهیلات بانکی فقط به ۲ درصد از افراد (ثروتمندان) تعلق می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که بانک‌ها، سرمایه مردم را به جای اینکه به خود مردم بدهند، به ثروتمندان می‌دهند و سهم ناچیزی از آن را به مردم عادی باز می‌گردانند. این موضوع، به طور فزاینده‌ای اختلاف طبقاتی را در جامعه نهادینه می‌کند.

۴. **عدم رعایت انصاف در سودهای بانکی:** مشکل اصلی نظام بانکی ما، فقط نرخ سود نیست، چه کم باشد و چه زیاد. مسئله اساسی این است که چرا از ثروتمندان (یعنی کسانی که باید سود زیادی بپردازند) سود کمی دریافت می‌شود، اما از وام‌های خرد با وجود تورم شدید، به شدت و به صورت مرکب سود گرفته می‌شود؟ با بررسی عمیق‌تر عملکرد بانک‌ها، فارغ از درستی یا نادرستی عقود، مشخص می‌شود که این سیستم به نفع ثروتمندان و به ضرر اقشار کم‌درآمد عمل می‌کند و در نهایت منجر به افزایش فاصله طبقاتی و نهادینه شدن نظام سرمایه‌داری در کشور می‌شود.

آدام اسمیت و تمرکز سرمایه

آدام اسمیت^۱ معتقد بود که توسعه فقط از طریق انباشت سرمایه اتفاق می‌افتد. بر اساس این تئوری، تمرکز سرمایه در دست عده‌ای خاص، باعث رشد اقتصادی کلان می‌شود و در نهایت، ثروتی که به دست می‌آید، به نوعی به اقشار دیگر نیز سرایت می‌کند.

نظام بانکی و بورس، هر دو بر پایه همین تئوری شکل گرفته‌اند. در نظام بانکی، ثروتمندان می‌توانند با دریافت وام‌های کلان، سودهای هنگفتی به جیب بزنند، در حالی که اقشار کم‌درآمد برای دریافت وام‌های خرد با موانع زیادی روبرو هستند و در نهایت مجبور به پرداخت سودهای کلان (با توجه به تورم) به صورت مرکب می‌شوند.

(۱) Adam Smith: (۵ ژوئن ۱۷۲۳ - ۱۷ ژوئیه ۱۷۹۰)، از فلاسفه اخلاق‌گرای غرب و پدر علم اقتصاد نوین است. وی از

نظریه‌پردازان اصلی نظام سرمایه‌داری مدرن به شمار می‌رود.



نهاد گردش پول در اسلام

عدم رعایت قواعد اسلامی

در اسلام، قاعده‌ای به نام «قاعده ربح» وجود دارد که تصریح می‌کند سود بردن از سرمایه فقط در صورتی مجاز است که در آن سرمایه کار اقتصادی انجام شده باشد یا ریسک سرمایه را متحمل شده باشید. اگر فردی بدون تحمل ریسک و انجام کار اقتصادی، فقط به دلیل سرمایه‌گذاری، سود کسب کند، این امر در اسلام حرام شمرده شده است. متأسفانه، در طراحی نظام بانکی ما، به بسیاری از احکام فقهی در این زمینه توجه نشده است. به عنوان مثال، در فقه، تضمین سرمایه مضارب (کسی که در مضاربه سرمایه‌گذاری می‌کند) جایز نیست. اگر مضارب، سرمایه را تضمین کند، دیگر حق سود بردن ندارد. شیخ صدوق رحمته الله علیه به نقل از امیرالمومنین علی علیه السلام فرماید: «مَنْ ضَمَّنَ تَاجِرًا فَلَيْسَ لَهُ إِلَّا رَأْسُ الْمَالِ؛ وَلَيْسَ لَهُ مِنَ الرَّيْحِ شَيْءٌ»^۱.

یکی از قواعد اساسی در اسلام این است که افراد فقط در صورتی می‌توانند سود کسب کنند که ریسک سرمایه را بپذیرند؛ به عنوان مثال، در اجاره، ممکن است ساختمانی را اجاره کنید به ماهی یک میلیون تومان، ولی حق ندارید آن را به ماهی یک و نیم میلیون اجاره دهید. بدون شراکت در سود و ضرر حاصل از آن؛ چراکه آن ساختمان به هر حال هزینه‌هایی دارد و خسارت‌هایی ممکن است به آن وارد شود؛ بنابراین در صورتی می‌توانید سود مازادی کسب کنید که ریسک خسارات را نیز متحمل شوید؛ همچنین در پروژه‌ای که با ۸۰۰ میلیارد تومان شروع می‌شود و به ۱ میلیارد تومان فروخته می‌شود، اگر فرد هیچ ریسکی را متحمل نشده باشد، حق دریافت سود مازاد را ندارد.

ممنوعیت سود ثابت در نظام بانکی

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شدت از دریافت سود ثابت نهی فرموده‌اند؛ در حالی که در نظام بانکی فعلی، تلاش می‌شود تا با استفاده از انواع عقود و محاسبات پیچیده، به مردم القا شود که می‌توانند سود ثابتی بدون ریسک دریافت کنند. این امر یکی از مشکلات اساسی نظام بانکی ما است. حتی اگر ظاهر این معاملات را با استفاده از هزاران نوع عقد و فرمول پیچیده، کاملاً اسلامی جلوه دهیم، اما در نهایت، اگر کسی بخواهد سود ببرد، باید ریسک

(۱) من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۲۲۸.



نهاد گردش پول در اسلام

معقولی را در قبال سرمایه خود متحمل شود.

اگر فرهنگ دریافت سود ثابت در جامعه رواج پیدا کند، دیگر انگیزه‌ای برای تولید باقی نمی‌ماند؛ چراکه افراد به جای ریسک کردن در تولید و تحمل مشکلات آن، ترجیح می‌دهند پول خود را در بانک بگذارند و سود ثابتی بدون هیچ‌گونه ریسکی دریافت کنند.

حرمت ربا و قاعده ربح

آیت الله هاشمی شاهرودی رحمته الله، یکی از بزرگان حوزه علمیه، به نکته مهمی در مورد حرمت ربا اشاره می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «ربا یکی از مصادیق قاعده ربح است». در ربا، زمانی که شما پولی را قرض می‌دهید، در واقع آن را تملیک کرده و مالک ذمه طرف مقابل می‌شوید. از آنجایی که مالک ذمه هستید، اصل پول شما حفظ می‌شود و هرگونه خسارتی به آن مال وارد شود، باید توسط طرف مقابل جبران شود، اما در قبال این مالکیت، شما حق ندارید سود دریافت کنید؛ در مقابل، در مضارب، به دلیل اینکه هرگونه خسارتی به اصل مال به عهده مضارب (کسی که در مضارب سرمایه‌گذاری می‌کند) است، وی می‌تواند در صورت سودآوری، سودی را دریافت کند.

اثرات ربا بر اقتصاد

یکی از اثرات مخرب ربا، از بین رفتن انگیزه برای تجارت و تولید است. زمانی که ربا رواج پیدا می‌کند، مردم به جای تلاش برای تولید و کسب سود از طریق کار و فعالیت اقتصادی، به دنبال رباخواری و دریافت سودهای بدون زحمت می‌روند. اگر می‌خواهیم نظام بانکی را بر اساس اسلام طراحی کنیم، باید به این اصول توجه ویژه داشته باشیم. متأسفانه، ما در حال حاضر از یک نظام غربی استفاده می‌کنیم و می‌خواهیم با الصاق احکام اسلامی به آن، آن را اسلامی کنیم. اما این کار شدنی نیست و یک بانک را به صرف استفاده از اصطلاحات اسلامی، اسلامی نمی‌کند.

مدل بانکداری اسلامی

ما در کتاب بانکداری اسلامی، ۹ اصل را برای اسلامی کردن نظام بانکی ارائه کرده‌ایم. در اینجا به دو مورد از این اصول اشاره می‌کنیم. ما در این زمینه بحث‌های مفصلی داشته‌ایم و خوشبختانه به یک مدل بانکداری اسلامی بر اساس آموزه‌های اسلام و روایات معصومین علیهم‌السلام دست پیدا کرده‌ایم. معتقدیم که این مدل می‌تواند بسیاری از



نهاد گردش پول در اسلام

اهداف نظام بانکی اسلامی را محقق کند.

ما با اندیشمندان و متخصصان این حوزه مشورت کرده‌ایم و این مدل را در جاهای مختلف به بدنه نظام بانکی و کارشناسان اقتصاد اسلامی ارائه داده‌ایم. همچنین اخیراً با نمایندگان مجلس نیز در این خصوص مذاکراتی داشته‌ایم. با وجود اینکه این مدل از نظر عملیاتی قابلیت اجرا دارد و می‌تواند بسیاری از اهداف را محقق کند، طبیعتاً به دلیل اینکه منافع برخی افراد را به خطر می‌اندازد، با مخالفت‌هایی نیز روبرو شده است.

نارضايتی عمومی از نظام بانکی

نظام بانکی ما به وضعیتی دچار شده که همه از آن ناراضی هستند. نه فقط مردم، بلکه مسئولین و خود بدنه بانکی نیز از این وضعیت آشفته گلایه دارند. بسیاری از افراد در بدنه بانکی دغدغه این موضوع را دارند و به دنبال راهی برای رهایی از این وضعیت هستند. برای ایجاد تغییر در این وضعیت، دو اقدام اساسی لازم است:

۱. فهم عمومی و مطالبه مردمی: مردم باید از مشکلات نظام بانکی آگاه باشند و برای حل آنها مطالبه‌گری کنند. از طلاب و مبلغان دینی تقاضا می‌کنم که در تبلیغات خود به مردم در مورد وضعیت فعلی نظام بانکی توضیح دهند. هر اقدامی که دولت در این زمینه انجام می‌دهد، با مخالفت‌های زیادی روبرو می‌شود. مردم باید با آگاهی از این مشکلات، از اقدامات دولت برای اصلاح نظام بانکی حمایت کنند.

۲. وجود مسئولین با جرأت اصلاح: مسئولینی که عزم اصلاح نظام بانکی را دارند، باید با جرأت و بدون ترس از تغییر، در این مسیر قدم بردارند. متأسفانه در حال حاضر، شاهد کمبود چنین مسئولینی هستیم. مسئولین فعلی، علی‌رغم تلاش‌هایشان، گاه به دلیل انتخاب مسیر اشتباه و عدم جرأت در تغییر مسیر، از هدف دور می‌شوند. همانطور که در روایتی آمده است، کسی که بدون بصیرت و در مسیر اشتباه حرکت می‌کند، هرچه سریع‌تر برود، از مقصد دورتر خواهد شد.

با وجود اقدامات خوبی که در حوزه اقتصادی انجام شده است، چشم‌انداز روشنی برای آینده وجود دارد. اما برای رسیدن به اهدافمان، که بر پایه اسلام و با مشارکت مردم است، نباید به وضع موجود قانع شویم و از تلاش دست بکشیم. تحولات مثبت و زیرساخت‌های خوب در حال شکل‌گیری است، اما خطرات و چالش‌هایی نیز



نهاد گردش پول در اسلام

وجود دارد. اگر بدون توجه به این نقاط ضعف و بدون برنامه‌ریزی دقیق برای عبور از آنها حرکت کنیم، ممکن است دستاوردهایمان از بین برود.

در شرایطی خاص و سرنوشت‌ساز قرار گرفته‌ایم. از یک سو، شاهد اقدامات ارزشمند و امیدوارکننده‌ای در عرصه اقتصاد هستیم که چشم‌اندازی روشن را به تصویر می‌کشد. از سوی دیگر، دستیابی به اهداف نهایی، که برپایی نظامی مبتنی بر اسلام و با مشارکت مردم است، مستلزم عبور از چالش‌ها و موانعی خواهد بود. انکارناپذیر است که تحولات مثبتی در حال وقوع هستند. زیرساخت‌های قوی و مناسبی در حال احداث و تکمیل است که بستر لازم برای پیشرفت و توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند. این اقدامات نویدبخش آینده‌ای درخشان و مرفه برای کشورمان است.

بازار در صدر اسلام: گامی حیاتی برای احیای اقتصاد نوپا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نخستین اقدامات خود پس از هجرت به مدینه، به ساماندهی بازار پرداختند. در آن زمان، مدینه میزبان سه طایفه یهودی به نام‌های بنی قَیْنُقاع، بنی نضیر و بنی قُرَیْظَه بود که بر بازارها سیطره داشتند. آنها با رباخواری، مردم را تحت ستم قرار می‌دادند. مسلمانان مهاجر از مکه، فقیر و تهی‌دست بودند. برخی از آنها حتی با یک دست لباس به مدینه آمده بودند. این جامعه فقیر، بر دوش جامعه فقیر دیگری (انصار) سوار شده بود. در مقابل، مردم مکه از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار بودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ایجاد نظام بازار اسلامی، تحولی شگرف در اقتصاد نوپای مسلمانان ایجاد کردند. نکته جالب توجه این است که این جامعه فقیر نه تنها خودکفا شد، بلکه مازاد تولید نیز به دست آورد. در همین راستا، آیات مربوط به زکات نازل شد و مسلمانان موظف شدند اموال مازاد خود را در مسیرهای خیرخواهانه هزینه کنند. بازار در اسلام، صرفاً مکانی برای دادوستد و مبادله کالا نیست، بلکه تجلی‌گاه عدالت، کارآمدی و رفاه در جامعه اسلامی است. در این نوشتار، به برخی از ویژگی‌های بارز بازار اسلامی که از متون و روایات استنباط می‌شود، می‌پردازیم.

ملکیت حاکمیت و واگذاری رایگان به مردم

یکی از ویژگی‌های اساسی بازار اسلامی، مالکیت حاکمیت بر آن است. بر اساس روایات، بازارها ملک حاکم اسلامی هستند و باید به صورت رایگان در اختیار مردم قرار گیرند. این امر به معنای آن است که هیچگونه کرایه یا عوارضی از کسبه



نهاد گردش پول در اسلام

و اصناف برای استفاده از غرفه‌ها و حجره‌های بازار دریافت نمی‌شود. در روایتی وارد شده که «إن رسول الله ﷺ تصدق علی المسلمین باسواقهم»^۱ یعنی پیامبر ﷺ بازارها را به صورت مجانی در اختیار مسلمان‌ها قرار می‌دادند. در بازار اسلامی، از کسبه و اصناف مالیات و خراج اضافی دریافت نمی‌شود. هدف از این امر، رونق کسب و کار، کاهش قیمت تمام شده کالا و در نهایت، رفاه حال مردم است. حاکم اسلامی موظف است در بازار اسلامی، برابری فرصت‌ها را برای همه کسبه و اصناف فراهم کند. هیچ کس نباید به دلیل موقعیت اجتماعی یا سیاسی، از مزایای خاصی برخوردار باشد. در روایت است که پیامبر فرمود: «هذا سوقکم»؛ «اینجا بازار شماست» نمی‌گذارم کسی آن را نقض کند.

بازار اسلامی، محلی برای حمایت از تولید داخلی و کالای ایرانی است. حاکم اسلامی باید با وضع قوانین و مقررات مناسب، از ورود کالاهای غیرضروری و قاچاق به بازار جلوگیری کند و زمینه را برای رونق تولید داخلی فراهم سازد. حاکم اسلامی موظف است با احتکار و گرانفروشی در بازار مقابله کند و از حقوق مصرف‌کنندگان دفاع نماید. در بازار اسلامی، قیمت‌ها باید عادلانه و متناسب با نرخ مواد اولیه و دستمزد باشد. در آموزه‌های اسلامی، بر ایجاد بازارهای تخصصی تأکید فراوانی شده است. این بازارها که در آنها صنوف و مشاغل مشابه در یک مکان متمرکز می‌شوند، فواید و مزایای متعددی دارند که یکی از مهم‌ترین آنها، کاهش قیمت کالاها است.

نقش اجاره مغازه در قیمت تمام شده کالا

یکی از عوامل اصلی گرانی کالا، هزینه بالای اجاره مغازه است. فروشندگان مجبورند برای جبران این هزینه، قیمت نهایی کالا را افزایش دهند. در نتیجه، این امر به ضرر مصرف‌کنندگان تمام می‌شود. اگر، همانطور که در روایات آمده، مغازه‌ها در بازار اسلامی به صورت رایگان در اختیار اصناف قرار بگیرند، شاهد کاهش چشمگیری در قیمت تمام شده کالاها خواهیم بود. کاهش قیمت کالا، نفع مستقیم و ملموسی برای مصرف‌کنندگان خواهد داشت. آنها می‌توانند با صرف هزینه کمتر، مایحتاج خود را تهیه کنند. از سوی دیگر، کاهش قیمت‌ها به نفع تولیدکنندگان نیز خواهد بود. چرا

(۱) وفاء الوفاء، جلد ۲، صفحه ۷۴۸



نهاد گردش پول در اسلام

که با افزایش تقاضا برای کالاهایشان، می‌توانند به تولید بیشتر و رونق کسب و کار خود بپردازند.

قاعده «سبقت» در اسلام بر این اصل تاکید دارد که هر کس زودتر به مکانی برسد، حق تقدم دارد. این قاعده در مورد بازار نیز صادق است. بازار، ملک حاکمیت است و حاکمیت موظف است آن را به طور عادلانه در اختیار افراد قرار دهد. چنانچه روایت شده که: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ - فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ - وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بَيْتِ السُّوقِ كِرَاءً».^۱ «بازار مسلمین مانند مسجد آن‌ها است. دست فروشی که زودتر از دیگران در جایی بساط خود را پهن کرد، نسبت به دیگران اولویت دارد و کسی حق ندارد جای او را بگیرد.»

لذا طبیعتاً افراد زیادی خواهان حضور در بازار هستند، اما حاکمیت با توجه به نوع کالایی که در هر مکان به فروش می‌رسد، می‌تواند زمان حضور افراد را تعیین کند. این امر از انحصارطلبی و تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص جلوگیری می‌کند. با چرخشی شدن جایگاه افراد در بازار، افراد سرشناس در یک مکان ثابت نخواهند ماند و در بخش‌های مختلف بازار حضور خواهند داشت.

یکی از نکات جالب در سیره نبوی، ماجرای حکیم بن حزام، یکی از ثروتمندترین تجار مدینه است. روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ورود او به بازار، مگر با شرایطی خاص، جلوگیری می‌کردند. این روایت نکات مهمی را در مورد مدیریت بازار در اسلام آشکار می‌کند:

۱. **حاکمیت و نظارت بر بازار:** حاکمیت اسلامی، بازار را در اختیار مردم قرار می‌دهد و این یک خدمت رایگان به آنها محسوب می‌شود. اما این به معنای عدم نظارت و قانون‌گذاری برای بازار نیست. حاکم می‌تواند برای حفظ حقوق مردم و رونق بازار، شروطی را تعیین کند.

۲. **تضمین کیفیت و قیمت کالا:** یکی از شروطی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای ورود حکیم بن حزام به بازار تعیین کردند، ضمانت «اقالة النادم»^۲ بود. چنانچه روایت شده از ایشان که فرمودند: «من أقال مسلماً نادماً أقاله الله عثرته يوم القيامة».^۳ به این

(۱) وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۵۴۲، دار احیاء التراث العربی

(۲) اقاله یا تفاسخ اصطلاحی حقوقی است بر توافق دو طرف یک قرارداد، به منظور برهم‌زدن و از میان بردن آثار آن قرارداد در آینده و معنای لغوی آن رهایی می‌باشد. در واقع اقاله خود نیز نوعی عقد است و یکی از سه سبب اصلی انحلال قرارداد در کنار اختیارات و انفساخ (انحلال قهری قرارداد) است.

(۳) وسائل الشیعة: ب ۳ من أبواب آداب التجارة ج ۲ ص ۱۲ ج ۲۸۶.



نهاد گردش پول در اسلام

معنا که اگر مشتری از خرید خود پشیمان می‌شد، حکیم موظف بود کالا را پس گرفته و وجه آن را برگرداند.

۳. **شفافیت و رقابت سالم:** با وجود شرط «اقالة النادم»، مشتریان می‌توانستند با خیالی آسوده خرید کنند و در صورت پیدا کردن کالای مشابه با قیمت ارزان‌تر، آن را پس داده و کالای مورد نظر خود را با قیمت مناسب‌تر تهیه کنند. این امر، شفافیت و رقابت سالم را در بازار افزایش می‌داد و به نفع مصرف‌کنندگان بود.

در حال حاضر، شبکه‌ای از بازارهای میوه و تره‌بار در تهران وجود دارد که نقش مهمی در زندگی شهروندان ایفا می‌کند. شهرداری‌ها این بازارها را به صورت فصلی به گروهی از افراد اجاره می‌دهند و با ارائه نرخ اجاره پایین‌تر، به دسترسی آسان‌تر مردم به محصولات تازه و با قیمت مناسب کمک می‌کنند. حذف این بازارها می‌تواند زندگی بسیاری از ساکنین تهران را تحت‌الشعاع قرار دهد. دسترسی به مواد غذایی تازه و مغذی، به ویژه برای اقشار کم‌درآمد، به یک چالش جدی تبدیل خواهد شد.

تفاوت قیمت بین بازارهای میوه و تره‌بار و مغازه‌های سطح شهر قابل توجه است. در مواردی، قیمت‌ها در مغازه‌ها تا دو برابر بیشتر از نرخ بازار است. این امر، فشار زیادی بر سبد خانوار، به خصوص در اقشار کم‌درآمد، وارد می‌کند. در بسیاری از موارد، افراد به دلیل شرایط کاری یا محدودیت‌های زمانی، ناچار به خرید از مغازه‌ها در ساعات پایانی شب یا روزهای تعطیل هستند. در این شرایط، با قیمت‌های بسیار بالاتر از نرخ واقعی مواجه می‌شوند.

معضل واسطه‌ها و عدم دسترسی به بازار

در حال حاضر، بسیاری از تولیدکنندگان، به ویژه در سطوح کوچک و خانگی، برای فروش محصولات خود به واسطه‌ها و دلالان وابسته‌اند. این واسطه‌ها با دریافت سهم قابل توجهی از سود، مانع از رسیدن منافع واقعی به تولیدکننده می‌شوند. علاوه بر این، دسترسی به بازار برای این دسته از تولیدکنندگان محدود بوده و امکان عرضه مستقیم محصولات خود به مصرف‌کنندگان را ندارند. اگر این امکان وجود داشته باشد اگر کسی حتی ده تخم مرغ هم در خانه تولید داشته باشد می‌تواند به طور مستقیم در بازار بفروشد.

برای درک بهتر این موضوع، به مثال سبزیجات اشاره می‌کنیم. در حال حاضر، سبزیجات با قیمتی بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان در مغازه‌ها به فروش می‌رسد. اما این در حالی است که کشاورز، محصول خود را به قیمتی بین ۴ تا



نهاد گردش پول در اسلام

۵ هزار تومان به واسطه‌ها می‌فروشد. اگر کشاورز بتواند محصول خود را به طور مستقیم به مصرف‌کننده عرضه کند، قیمتی در حدود ۱۵ هزار تومان خواهد داشت. این امر نه تنها برای مصرف‌کننده مقرون به صرفه تر است، بلکه به نفع کشاورز نیز بوده و انگیزه تولید را افزایش می‌دهد.

چینش بازارهای اسلامی، تولیدی‌ها در کنار فروشگاه‌ها

فردی که سرمایه‌ای ندارد می‌تواند با اجناس قرض شده حتی مضارب‌ه‌ای شروع به فروش کند و به درآمد برسد. حکایتی از حضرت علی (علیه السلام) در متن نقل شده که مویّد این موضوع است. ایشان به فردی که شغل نداشت، فرمودند که جایی در بازار را آب و جارو کن و بنشین. آن شخص بعد از چند روزی که در بازار بود، متوجه شد می‌تواند از طریق اطلاعاتی که در این بازار به جهت حضورش به دست آورده است، اجناسی را برای مشتریان تهیه کرده و بفروشد و کم‌کم توانست به درآمد و ثروت برسد.

بازارها در جوار مسجد: نمادی از سنت و کارکرد دینی

در نظام مدیریتی اسلام، مسجد نقشی فراتر از صرف عبادتگاه ایفا می‌کند. بازارها به عنوان قلب تپنده اقتصاد، در سنت اسلامی همواره در جوار مساجد بنا شده‌اند. این امر نشان‌دهنده پیوند عمیق میان دین و اقتصاد در این نظام است. بازارهای زیادی در جوار مساجد و زیارتگاه‌ها تأسیس شده‌اند مانند سوق الکبیر، بازار شاه عبدالعظیم و بازارهای بزرگ قم که در کنار حرم مطهر قرار دارند.

حضرت علی (علیه السلام) و نظارت بر بازار

حضرت علی (علیه السلام) به عنوان الگوی عدالت و حکمرانی دینی، نظارت مستقیم بر بازارها را بر عهده داشتند. ایشان در اوایل صبح به طور مرتب از بازارها بازدید می‌کردند و با تازیانه‌ای به نام «دره» بر تخلفات نظارت می‌کردند. این امر نشان‌دهنده اهتمام ایشان به حفظ نظم و انصاف در بازار و صیانت از حقوق مردم بود.

یکی از احکام حضرت علی (علیه السلام) در خصوص بازار، شرط داشتن آگاهی از احکام شرعی و فنی برای کسبه بود. ایشان معتقد بودند که «اول فقه، سپس بازار» و بر این اساس، افرادی که از دانش فقهی و مهارت‌های لازم برخوردار نبودند، از حضور در بازار منع می‌شدند. حضور مردم در مسجد و بهره‌مندی از آموزه‌های دینی، نقش مهمی در



نهاد گردش پول در اسلام

ارتقای سطح فرهنگی و اخلاقی جامعه داشت. حضرت علی (علیه السلام) با جدیت با کسانی که به بهانه فعالیت در بازار، از حضور در مسجد و انجام فرایض دینی غفلت می‌کردند، برخورد می‌کردند.

مصلی‌ها که معمولاً در بهترین نقاط شهرها با مساحت‌های وسیع احداث شده‌اند، در طول هفته بلااستفاده باقی می‌مانند. این امر در حالی است که می‌توان با کمی ابتکار، از این فضاها برای ایجاد بازاری مردمی و اخلاق‌محور استفاده کرد. با اختصاص غرفه‌هایی در محوطه مصلی به مردم، می‌توان فضایی برای عرضه محصولات تولیدی توسط افراد در سطوح مختلف، از خرده‌فروشی و صنایع خانگی تا عمده‌فروشی، ایجاد کرد. این امر به رونق تولید، اشتغال‌آفرینی و دسترسی آسان مردم به کالاهای مورد نیازشان کمک خواهد کرد.

بازار اسلامی؛ راهکاری برای اقتصاد عادلانه و اخلاقی

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کسی که نظم بازار را بر عهده داشت، از بیت‌المال به او حقوق می‌داد تا هزینه‌های نظارت بر بازار بر دوش تولیدکنندگان و مردم عادی نیفتد. اگر مصلی نماز جمعه در طول هفته در اختیار مردم قرار بگیرد تا کالاهای خود را به فروش برسانند و هر روز صبح، بالاترین مقام مذهبی شهر (امام جمعه) بر کیفیت و قیمت‌ها نظارت کند و به آن‌ها توصیه‌های اخلاقی بدهد، شاهد تحولات مثبتی خواهیم بود.

وقتی مسئولان به مردم خدمت می‌کنند، حرفشان نافذتر می‌شود و احکامی که در این زمینه صادر می‌کنند، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. می‌توان شرط کرد که در این بازارها، نه اجاره‌ای دریافت شود و نه مالیاتی.

قال رسول الله ﷺ: لا یبیع حاضر لباد، دعوا الناس یرزق الله بعضهم من بعضهم^۱ «مردم را بگذارید که معامله خود را انجام دهند. خداوند تعالی آنان را به واسطه ی یکدیگر روزی می‌دهد.

احتکار و انحصار، ظلم بزرگی به مردم است. اگر این طرح اجرا شود، مردم می‌توانند کالاها را با نصف قیمت بازارهای دیگر تهیه کنند. با اجرای این طرح، تولیدکننده مستقیماً محصول خود را به مردم عرضه می‌کند و واسطه‌ها حذف می‌شوند. در این صورت، هزینه‌های دلالی، اجاره مغازه و مالیات از بین می‌رود و مردم احساس رفاه بیشتری می‌کنند. البته در این طرح باید نظارت‌های لازم انجام شود و حاکمیت نقش خود را ایفا کند.

(۱) الوسائل باب: ۳۷ من أبواب آداب التجارة حدیث: ۱ و ۳.



نهاد گردش پول در اسلام

نقش حوزه‌های علمیه و ائمه جمعه

از علمای دین و ائمه جمعه تقاضا می‌کنیم که این ایده را به عنوان یک طرح عملی مطرح کنند: حوزه‌های علمیه می‌توانند با همکاری امام جمعه و خیرین، در مصلی‌ها غرفه‌هایی راه‌اندازی کنند و شاهد استقبال مردم از این طرح باشند. همانطور که امیرالمؤمنین (علیه السلام) حضور در نماز جماعت را شرط حضور در بازار می‌دانستند، می‌توان شرط کرد که نمازگزاران جمعه بتوانند از این بازار استفاده کنند. با اجرای این طرح، می‌توان فرهنگ و دین مردم را تقویت کرد، اعتقادات را ارتقا داد و اخلاقیات بازار را بهبود بخشید.

همچنین احکامی را ترویج دهند که معاملات و عقود اسلامی بر پایه آن بنا شده و داد ستد را تسهیل و اختلافات را کاهش می‌دهند، مانند روایاتی که از ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد آداب تجارت در بازار وارد شده،^۱ از جمله پس گرفتن مال معیوب و عطا نمودن مال بهتر را که مستحب بر شمردند.^۲ بازار می‌تواند هم منبر شیطان باشد و هم تاجر را به حبیب خدا تبدیل کند. نظام بازار اسلامی که با مدیریت مسجد، امام جمعه و روحانیت شیعه اداره می‌شود، خدمات اجتماعی ارائه می‌دهد و به نفع عموم مردم، تولیدکنندگان و بازاریان است می‌تواند هم به کاهش فشار اقتصادی و هم به آشنایی بیشتر بازاریان با احکام اسلامی کمک کند.

والله اعلم

1) <https://ar.lib.eshia.ir/10159/12/435>

۲) (فلهذا أمرنا أن لا نأخذ إلا ناقصاً ولا نعطي إلا راجحاً) فقه القرآن: فی باب آداب التجارة ج ۲ ص ۴۳،



مقام معظم رهبری دام‌ظله:

«این درست نیست که کسی خیال کند که بله، من کاسبم، تاجرم و برای سود کار میکنم؛ نه، ما انسانهای مؤمن و متدینانی را می‌شناسیم که به خاطر انقلاب، دکان و کسب و کار و خرید و فروش و سود و استفاده را بوسیدند و کنار گذاشتند و به میدان انقلاب آمدند و زندگی خودشان را شب و روز برای انقلاب مصرف کردند. البته ما از همه این طور توقعی را نداریم؛ اما از همه توقع انصاف را داریم...»

(بیانات در دیدار جمعی از اصناف؛ ۱۳/۰۴/۱۳۷۰)

حاکمیت اسلامی طبق روایات وارد شده بایستی بازار را با رعایت نظارت و قانون‌گذاری در اختیار مردم قرار داده و برای حفظ حقوق مردم و رونق بازار، شروطی را تعیین کند. همچنین جهت کیفیت و استرداد قیمت کالا ساز و کار ضمانتی ایجاد کرده که حتی اگر مشتری از خرید خود پشیمان شد، کاسب موظف باشد کالا را پس گرفته و وجه آن را برگرداند. و دیگر آنکه زمینه را برای شفافیت و رقابت سالم تجار فراهم نموده تا به مرور کیفیت کالا و خدمات به مسلمین ارتقا پیدا نماید..